

همه فرماندهان هستند. در مورد بازی جنگ برای ناوگروه ۷۵ دوازده مورد را انجام دادیم که اگر دزد دریایی آمد، خرابی یگان، حریق، آب گرفتگی، حمله پهپادی، حمله موشکی، حمله زیرسطحی، چسباندن مین یا حتی اگر بروند و کشور پذیرنده محدودیت داشته باشد و غیره را برآورد کردیم و تاکتیک مورد نیاز و پاسخ مناسب را تمرین کردیم، بعد از آن می‌ماند توکل به خدا که ان‌شا... در طول مسیر آن چیزی که ما به آن فکر نکردیم پیش نیاید که به لطف خدا و زحمت همه نیروها مشکلی پیش نیامد و به سلامت باز گشتند.

برای این سفر چه هماهنگی‌هایی با کشورهای خارجی انجام شد؟

در مسیرهای بلند دریانوردی یک نفر با عنوان افسر راه مسیر را می‌کشد و مشخص می‌کند در این مسیر چه آبراهه‌ها و تنگه‌ها و کانال‌هایی وجود دارد که از قبل نیاز به هماهنگی و یا کسب مجوز هست. ما کتاب‌های بین‌المللی داریم که در این کتاب‌ها برای هر مسیری توضیح می‌دهد که از هر تنگه یا کانال یا آبراهی عبور می‌کنید، باید چه اقداماتی انجام دهید و با چه مراجعی هماهنگی داشته باشید.

برای عبور از تنگه دور در شمال مانش یا تنگه‌های دانمارک و رسیدن به سن پترزبورگ و برعکس نیاز به هماهنگی بود. جاهایی که تنگه وجود دارد، حتماً باید هماهنگی صورت گیرد مثل کانال مانش یا تنگه دور یا تنگه جبل الطارق یا کانال سوئز. بر تنگه‌های دنیا قوانین بین‌المللی حاکم است و هر کشوری که عبور می‌کند، باید این قوانین را رعایت کند مثل ما که در تنگه هرمز این قوانین را اعمال می‌کنیم.

در مورد استونی یک موضوعی حاشیه‌ساز شد و گویا این کشور به حضور ناوگروه ما اعتراض کرد. درست است؟

در خلیج فنلاند تنها ۳ کشور روسیه، فنلاند و استونی حضور دارند و شناورها برای رسیدن به روسیه باید از یک خط مستقیم و باریک در میان دریا عبور کنند تا وارد محدوده

باشید، نیاز هست که این‌ها آموزش‌های محکمی ببینند و مسافت‌ها و دریانوردی‌های چند ماهه می‌تواند این‌ها را آبدیده کند. کشورهای دیگر هم چنین مسافت‌های طولانی دارند، مثلاً روس‌ها از ولادی وستوک ناو خود را تا بندرعباس می‌آورند یا آمریکایی‌ها هم همین‌طور.

مسیر ناوگروه ۷۵، مسیر کشتی‌رانی یا نفتکش‌ها هم هست؟

این بستگی به مشتری دارد، اگر قرار باشد به آفریقای جنوبی برویم که از مشتری‌های خوب و ثابت مادر نفت است، بله، این مسیر کشتی‌رانی ما خواهد بود. مسیر کشوری که از ما خرید کرده، یا ما از او خرید می‌کنیم اگر به گونه‌ای باشد که از مسیر رفت ناوگروه ۷۵ ما بگذرد، خیلی خوب است ولی اگر هم نباشد و مثلاً ایتالیا باشد، طبیعتاً مسیر نزدیک‌تر سوئز خواهد بود اما چون مسیر بلند را ما رفتیم و چک کردیم، طبیعتاً تجاری داشتیم که می‌توانیم مسیرهای کوچک را هم بهتر برویم. یک موضوع هم بحث سیاسی بود، حتماً شنیده‌اید که قبل از این که این ناوگروه اعزام شود و ما فقط به آن فکر می‌کردیم، یک سری مسئولان از کشورهای غربی گفتند که دریانوردان ایرانی در حدی نیستند که به این مسافت‌ها و بردها بیایند، این اقدام ما به آن‌ها ثابت کرد که بله، ما می‌توانیم مسیری که روزهای اول می‌ترسیدیم و نگرانی داشتیم را برویم و همین کار اعتماد به نفس مان را بالا می‌برد، وقتی یگان ما ۱۳ هزار مایل را از این‌جا حرکت کرده و آگولاس را دور زده و به سن پترزبورگ رسیده، حالا اگر به او بگویید تا ژاپن برو، دیگر برایش سخت نیست. دور کره زمین در استوا می‌شود ۴۰ هزار کیلومتر و این‌ها در رفت و برگشت حدود همین میزان دریانوردی کردند. چقدر احتمالات مختلف و خطرناک را برای این اعزام

پیش‌بینی کردید؟

یک اصطلاحی مادر یگان‌های نظامی داریم به نام بازی جنگ. در این بازی جنگ تمام اتفاقاتی که ممکن است در طول مسیر برای یک یگان اتفاق بیفتد را یادداشت می‌کنیم و

کشور را حل می‌کند. از این جهت کار نیروی دریایی بسیار مهم و موثر است.

چه مولفه‌هایی برای اعزام یک یگان نظامی دریایی به آب‌های دوردست وجود دارد؟

برای این که یک ناوگان نظامی را به اقصی نقاط دنیا بفرستید، نیاز به فاکتورهایی دارید که مهم‌ترین آن‌ها داشتن یگان شناور است. ولی وقتی ما تحریم هستیم، طبیعتاً یگانی به ما داده نمی‌شود و این موضوع وجود داشت تا این که ناوشکن جماران ساخته شد، البته همه اجزای این یگان‌ها ساخت ایران نیست، مثل همه دنیا و به صرفه هم نیست که همه قطعات و بخش‌ها را خودمان بسازیم اما ما به دلیل تحریم مجبور بودیم بیشترشان را خودمان بسازیم و الان وارد ساخت موتور ناوها و زیردریایی‌ها هم شده‌ایم. شاید از نظر تجاری صرفه نداشته باشد ولی ما چون تحریم هستیم این کار را می‌کنیم. در ادامه هم یگان‌های بعدی را ساختیم که از یگان‌های قبلی هم کامل‌تر و بهتر بود.

بعد از این که شناور ساخته شد ما ۳ مدل تست داریم؛ تست‌های کارگاهی، تست‌های کنار دریا و تست‌های دریا. بعد از موفقیت در این تست‌ها، یگان برای دریانوردی اولیه آماده می‌شود، از همان روز که این‌ها را ساختیم خودمان فکر می‌کردیم که آیا واقعاً این‌ها برای دریاهای دوردست هم جواب می‌دهند یا نه. به خاطر همین از ناوگروه شماره یک تا ناوگروه ۷۵، همین‌طور که یگان‌ها بهتر شدند مسافت‌ها را هم بیشتر کردیم. من خودم همیشه فکر می‌کردم باید مسیرهای مختلف را برویم تا بتوانیم چیزهایی که خودمان می‌سازیم را تست کنیم تا بدانیم چقدر این شناورها و تجهیزات در دریاهای مختلف ماندگاری دارند.

ناوگروه ۷۵ مکران اعزامی به اقیانوس اطلس برای این موضوع مثال خیلی خوبی شد. از چندین ناوگروه قبلی همیشه این را در ذهن داشتیم اما هر مبدأ باید یک مقصدی داشته باشد و هیچ‌وقت یک مقصد خاصی پیشنهاد نشده بود. می‌توانستیم برویم و یک دور بنزیم و برگردیم اما نیاز به تعریف یک مقصد مشخص بود تا این که روسیه گفت سیصد و بیست و پنجمین سالگرد تاسیس ناوگان نیروی دریایی است و از ما دعوت رسمی کرد تا به آنجا برویم.

شما می‌توانستید از کانال سوئز بروید، چرا این کار را نکردید؟

چند حالت است که می‌گوید شما آن راه را نروید؛ اول این که این مسافتی که ما رفتیم خیلی طولانی بود و همین برای ما خوب بود. آفریقا از یک طرف اقیانوس هند را دارد و از یک طرف اقیانوس اطلس و این دو جریان در جنوب آفریقا زیر دماغه آگولاس به هم می‌رسند. پایین‌ترین نقطه آفریقا است. این منطقه دریایی بسیار سخت و متلاطم دارد اما الحمدا... وقتی ناوگان ما به آنجا رسید، دریا خیلی خراب و در حدی نبود که مزاحم ۲ یگان شناور ما بشود و آگولاس را رد کردند. بعد از آن چرخیدیم و به اقیانوس اطلس آمدیم که این اولین بار در تاریخ نیروی دریایی ایران بود که یگان ما این مسیر را می‌رفت. آیا قبل از انقلاب هم سابقه چنین کاری را داشتیم؟ خیر. البته آن زمان ناوهایی که خریدیم از آن مسیر آمدند اما اولاً آن ناوها که آمدند برگشت نداشتند، ثانیاً آن‌ها خارجی بودند و مثل سهند ایرانی نبودند و ثالثاً کاپیتان‌های ناوها خارجی و ایرانی‌ها کنار خارجی‌ها بودند.

اگر هدف ما فقط رسیدن به اطلس بود، می‌توانستیم مسیر مدیترانه را برویم و از جبل الطارق به اطلس و برگردیم یا به سن پترزبورگ برویم، ولی ما آمدیم این مسیر طولانی‌تر را انتخاب کردیم، چرا؟

یک موضوع اقتصادی و به صرفه بودن آن است چون برای عبور از کانال سوئز متناسب با تناژ هر شناور باید پول زیادی را برای عبور می‌دادیم که از این جهت هم طولانی شدن مسیر به صرفه اقتصادی بود. با توجه به شغلی که دارم، به شخصه دوست دارم بیشتر از این که ناو تست شود دریانوردان ما تست شوند و این مسافت خیلی خوبی برای محک زدن مردان ماست. اگر شما می‌خواهید ارتش خیلی محکمی داشته



● مسیر عبور ناوگروه ۷۵ از دریای مانش میان انگلیس و فرانسه